



# مجله حقوقی مد



دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی

همایون مافی، محسن رئیسی

نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران

امیررضا محمودی، زهرا رهنما

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیتهای تعدیل در حقوق ایران

شیمیا شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بقی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور

روح الله شیخی، محمد محمودی

چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار

رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی

تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران

حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی

راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی

فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزیگی

توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا

حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی

عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی، نغمه فرهود

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی

پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند

هادی زارع، مجید وزیری

تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان

زینب تاری

انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک

امیررضا علی تبار

جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی

محبوبه طالبی رستمی

تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی

سیدامیرحسین مصطفوی

مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران

وحید کیومرثی

مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان

(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)

راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید

بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی

سیده مهشید میری بالاچورشری

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

سینا یوسفی

مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

ابراهیم شیروانی

تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تأدیه از محکوم به دولتی

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران

احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

رادمهر رحمانی گل افشان

پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در

ایران، امارات متحده عربی و قطر

عبدالمجید یوسفی

جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین

یاسر شاکری



## an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

## تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی

Mohammadmahdi Rezvanifar

PhD in Public Law, Faculty of Law and Humanities, Allameh Tabatabaeei University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Zahra Salimi

Master of Private Law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran

محمد مهدی رضوانی فر

دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

rezvanifar1388@yahoo.com  
<http://orcid.org/0000-0003-0927-6348>

زهرا سلیمی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران  
salimi.zahra1404@yahoo.com

### Abstract

The issue of late payment damages in the dispute of being religious or non-religious in the jurisprudential discourse of the Guardian Council was finally accepted in Article (522) of the Civil Procedure Code in a new and autonomous concept and subject to the occurrence of certain conditions. In cases of government conviction in the general sense, based on public interest and pursuant to the law, the method of payment of the convicted person to the government and the failure to secure and seize government property, as well as the single article prohibiting the seizure of movable and immovable property of municipalities, the seizure of movable and immovable property of ministries, government institutions and municipalities without authorization, and a legal deadline for securing credit have been foreseen. The question here is that in the connection between the provisions of Article (522) of the Civil Procedure Code and the provisions and philosophy of the enactment of the laws entitled, is late payment damages due to a convicted person to the government and, if so, when is the starting point for calculating this damage? Based on the following analyses, it seems that the conditions contained in Article 522 of the Civil Procedure Code cannot be applied to a convicted person to the government, and therefore, considering the theoretical discussions about late payment damages and as an exception, there is a need for new legislation in the category of damages for delayed payment imposed on the government.

**Keywords:** Late Payment Damages, Sentenced, Government, Contracting, Public Accounting.

### چکیده

موضوع خسارت تأخیر تادیه در کنشاکش شرعی یا غیرشرعی بودن در گنتمان ققاهنی شورای نگهبان، بالاخره در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی در قامتی نوین و مفهومی مختار و به شرط حدوث شرائطی پذیرفته شد. در موارد محکومیت دولت در معنای عام، بنا بر مصلحت عمومی و به موجب «قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی» و همچنین «قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها» توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شهرداری غیرمجاز و مهلتی قانونی جهت تأمین اعتبار پیش‌بینی گردیده است. پرسش این جا است که در پیوند شروط ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی و مفاد و فلسفه وضع قوانین معنون آیا به محکوم به دولتی خسارت تأخیر تادیه تعلق می‌گیرد؟ و در صورت تعلق، مبدأ محاسبه این خسارت چه زمانی است؟ در پژوهش حاضر با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته درباره ماهیت خسارت تأخیر تادیه و تأمل در آراء قضایی صادره له یا علیه دستگاه‌های اجرایی و دولتی نکاتی حاصل شد که در نتیجه آن بر مبنای تحلیل‌های آتی به نظر می‌رسد شروط مندرج در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی قابل تسری به محکوم به دولتی نباشد و لذا با توجه به مباحث نظری پیرامون خسارت تأخیر تادیه و استثناء بودن آن، در این خصوص خلاء قانونی وجود داشته و نمی‌توان مستند به مقرره معنون دستگاه‌های اجرایی را به پرداخت خسارت تأخیر تادیه محکوم کرد و لذا باید قائل به این بود که در مقوله خسارت تأخیر تادیه محکوم به دولتی نیاز به تقنین جدید وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** خسارت تأخیر تادیه، محکوم به، دولت، پیمانکاری، محاسبات عمومی.

ارجاع:

رضوانی فر، محمد مهدی؛ سلیمی، زهرا؛ (۱۴۰۴)، تحلیلی بر مسئله أخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

وجوه در اختیار دستگاه‌های اجرایی به دو صورت به مثابه محکوم به از سوی مراجع قضایی مورد حکم قرار می‌گیرد؛ اول در صورت وجود قرارداد بین دولت و اشخاص و نقض تعهدات قراردادی از سوی دولت و دوم در موارد غیر قراردادی و با ثبوت مسئولیت مدنی دولت. لزوم انضباط مالی حاکم بر بودجه عمومی دولت، پیش‌بینی محکوم به دولت تحت عنوان «دیون بلامحل» را در بودجه مصوب دستگاه به موجب ماده ۸ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ اقتضاء کرده است. بر همین اساس، در صورتی که، از قبل در بودجه دستگاه اجرایی اعتباری برای پرداخت دیون تخصیص نیافته باشد از آن جا که فرآیند پیش‌بینی، تأمین و تخصیص اعتبار زمان بر است، به موجب ماده واحده نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی و همچنین ماده واحده منع توقیف اموال منقول و غیر منقول شهرداری‌ها فرصتی برای تدارک محکوم به پیش‌بینی گردیده است.

فارغ از بحث‌های فقهی و نظری پیرامون خسارت تأخیر تادیه، با عنایت به مفاد ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مسئله جواز یا عدم جواز محاسبه و أخذ خسارت تأخیر تادیه از دیون پولی دولت با لحاظ مفاد دو ماده واحده صدرالذکر مهم جلوه می‌نماید. بر این مبنا، چنان چه

ذات خسارت تأخیر تادیه تجویزی در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ را جبران کاهش ارزش پول بدانیم باید قائل به جواز محاسبه و پرداخت خسارت تأخیر در دیون دولتی باشیم. این مسئله در پیمان‌های دولتی به خوبی قابل درک است. گاهی فاصله ارائه صورت وضعیت موقت، صورت وضعیت قطعی و صورت وضعیت نهایی آن قدر زیاد است که در شرائط اقتصادی ایران پیمانکار به هیچ وجه به اصل طلب خود نیز نمی‌رسد.

از سوی دیگر، اگر بر فلسفه وضع دو ماده واحده معنون توجه کنیم و قائل به حکومت اصول بودجه‌ریزی دولت باشیم محاسبه و اخذ خسارت تأخیر تادیه باعث ایجاد دور تسلسل در فرآیند بودجه‌ریزی می‌شود. به عنوان مثال، بسیاری از دادگاه‌ها محاسبه تعدیل قرارداد را به دلیل عدم تنجز، موکول به نظر کارشناس می‌کنند و شروع محاسبه مبلغ تقویمی را به تاریخ ارائه نظریه کارشناسی موکول می‌کنند؛ در این حالت با توجه به مفاد ماده واحده مورد بحث یکبار باید اصل دین در بودجه پیش‌بینی شود و یکبار دیگر مبلغ حاصل از تعدیل قرارداد و این در حالی است که با تکرار هر سال مالی همین مبلغ نیز دوباره باید تعدیل و در فرآیند خسارت تأخیر قرار گیرد. این دور تسلسل پایان‌ناپذیر خواهد بود.

تأمل منطقی در مفاد ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ گویای آن است که در وهله اول قانون‌گذار مبنای خود را در پذیرش ماهیت خسارت تأخیر تادیه از عدم النفع بودن تغییر و مبنای کاهش ارزش واقعی و قدرت خرید را اتخاذ نموده و بر همین اساس به جای تعیین نرخ ثابت برای محاسبه خسارت تأخیر تادیه به نرخ متغیری که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان شاخص قیمت سالانه منتشر می‌شود روی آورده است (ابهری و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۰).

لیکن در عمل و با تأمل بر انگاره‌های فقهی از یک سو و مقررات حاکم بر بودجه‌ریزی نتایج ذیل حاصل می‌شود: اول- چهارچوب‌های حقوقی و فقهی تجویز اخذ خسارت تأخیر تادیه در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مبتنی بر فرض حقیقی و خصوصی بودن مدیون است. لذا استناد مستقیم به ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به سختی قابل پذیرش است.

دوم- با کمک استدلالات فقهی، حقوقی و تمسک به قانده انصاف، چنان چه مسیر سخت پذیرش استدلال فوق را پیگیری کنیم با توجه به مفاد و فلسفه وضع ماده واحده موضوع این پژوهش، به نظر می‌رسد مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه اتمام مواعد قانونی پیش‌بینی شده در قوانین معنون باشد.

سوم- قراردادهای دولتی و خصوصاً قراردادهای مبتنی بر پیمان که بر اساس صلاحیت مقرر در ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱ با محوریت بخشنامه‌های سازمان برنامه و بودجه منعقد می‌شوند تفاوت محتوایی با قراردادهای خصوصی دارند. لذا به نظر یا باید متن بخشنامه‌های سازمان مذکور شرائط عمومی پیمان تغییر کند یا قانون‌گذار در قالب اصلاح ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ضمن شفافیت در اصل موضوع خسارت تأخیر تأدیه، وضعیت دیون دولتی را در ارتباط با این مسئله روشن کند. اهمیت موضوع این تحقیق عطف توجه دادن به همین دو مبنا است که هر دو به دلائل و استنادات آتی الذکر محل خدشه است و لذا باید در مدار توجه قانون‌گذار قرار گیرد. چهارم- با توجه به مفاد ماده واحده نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی و همچنین ماده واحده منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول شهرداری‌ها آیا به دیون دولتی اصلاً خسارت تأخیر تأدیه تعلق می‌گیرد؟ پنجم- در صورت جواز پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مبدأ محاسبه این خسارت دقیقاً از چه زمانی است؟

### پیشینه پژوهش

سهرابی و همکاران در پژوهشی به صورت تجویزی و با استناد به اصول حقوقی قائل به امکان اخذ خسارت تأخیر تأدیه از دیون دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی هستند. در مقالات مشابه بدون توجه به محتوا و قواعد برخاسته از فضای عمومی استدلال قابل توجهی درباره موضوع این پژوهشی ارائه نشده است.

### ۱- تأملی بر مبانی حقوقی تجویز اخذ خسارت تأخیر تأدیه

مبانی تجویز خسارت تأخیر تأدیه در سپهر قانون‌گذاری ایران به دو بخش قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم می‌شود؛ مبانی قوانین متعدد قبل از انقلاب تجویز خسارت تأخیر تأدیه بود ولیکن بعد از

انقلاب و در پرتو اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان به دلیل تشبه مقوله خسارت تأخیر تأدیه با مسئله ربا در نظرات متعددی دریافت خسارت تأخیر تأدیه را غیر شرعی اعلام کرد.<sup>۱</sup> متعاقباً با پدیداری مشکلات بانکی در مرحله اول با صدور نظریه شورا و در مرحله دوم با تصویب قانون وصول مطالبات بانک‌ها؛ خوانشی جدید از مسئله خسارت تأخیر تأدیه و ساختار حقوقی ربا در ادبیات حقوقی ظاهر گشت که در نهایت با تصویب ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹ به نگره‌ای جدید رسید که مجموعه نظرات پیرامونی آن‌ها به دو مسئله معطوف گشت، این که خسارت تأخیر تأدیه با فرض ثبوت شرائط تحقق آن اصل است یا استثناء؟

### ۱-۱- ادله ایجابی استثناء بودن أخذ خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه در قبل از انقلاب امری پذیرفته شده بود و به همین دلیل نیز حداکثر مبلغ قابل مطالبه در صورت تأخیر در ادای بدهی، صدی دوازده محکوم به محاسبه می‌شد و لذا بدون آن که به اثبات ورود خسارت نیاز باشد به صرف اثبات تأخیر در پرداخت، قابل مطالبه بود، ولی همان‌گونه که گفته شد بعد از انقلاب فقهای شورای نگهبان مبنای آن را غیر شرعی اعلام کردند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲، ۱۰۷). در واقع با نظری گذرا به مجموع نظرات این شورا شاید بتوان گفت که شورای نگهبان ذات خسارت تأخیر تأدیه را اصولاً ربا تلقی می‌کند (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۲)، یعنی این شورا با تلقی این همانی بین خسارت تأخیر تأدیه و ربا صرفاً تحت قیودی و با حدوث شرائطی قائل به خروج خسارت تأخیر تأدیه از مقوله ربا می‌باشد و بدین سان باید گفت پرداخت خسارت تأخیر تأدیه امری استثنایی است.

در تأکید بر استثناء بودن تجویز خسارت تأخیر تأدیه می‌توان به مبانی فقهی مورد استناد شورای نگهبان تمسک جست. همان‌گونه که از مجموعه نظرهای شورای نگهبان مشخص است و به‌ویژه این

۱- نظریه شماره ۳۲۷۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴؛ نظریه شماره ۵۹۹۳ مورخ ۱۳۶۵/۰۲/۱۷؛ نظریه شماره مورخ ۱۳۶۴/۰۲/۰۱

با استناد به استفتاء صورت گرفته از امام خمینی (ره)

که در آن زمان شورا به نظرات امام خمینی (ره) از باب ولی امر توجه خاصی داشته و سابقه فقهی که از خسارت تأخیر تأدیه در کتب فقهی ایشان موجود بوده و حتی در متن نظریه ای<sup>۲</sup> نیز خود شورا به صراحت اعلام می‌کند، خسارت تأخیر تأدیه را طبق نظر امام خمینی (ره) غیر شرعی دانسته، علت غیر شرعی بودن خسارت تأخیر تأدیه تطبیق این ماهیت با ربا است (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۲). امام خمینی (ره) نیز در استفتاءهای صورت گرفته از ایشان عناوین دیرکرد، خسارت تأخیر و موضوعاتی از این دست را تشبیه به ربا تلقی و بر همین اساس رأی به حرمت صادر کرده‌اند.

همین فتوای معیار برای شورای نگهبان در آن سنوات ایجاد رویه سخت گیرانه‌ای در مواجهه با مسئله خسارت تأخیر یا جریمه دیرکرد در موارد عدم اشتراط ضمن عقد نموده بود، در سنوات بعد همین نگره به عنوان جانمایه نظرات شورای نگهبان قرار گرفت. به عنوان مثال، شورا در نظریه ای<sup>۳</sup> به صراحت بیان می‌کند: «مطالبه مازاد بر بدهی به عنوان خسارت تأخیر تأدیه چنان که امام خمینی (ره) نیز صریحاً به این عبارت آن چه به حساب دیرکرد یا تأخیر بدهی گرفته می‌شود حرام است». شورا در نظریات جدید نیز اصل استثناء بودن تجویز را مدنظر قرار داده است. به عنوان مثال، در نظریه ای<sup>۴</sup> و در پاسخ به استعلام دیوان عدالت اداری چنین نظر می‌دهد: «حکم به دین بودن عوارض در مصوبه مذکور و ترتب آثار دین بر آن از جمله خسارت تأخیر تأدیه که واجد احکام و شرائط خاصی است خلاف شرع شناخته شد».

شورا البته بنا بر مبانی استدلالی تجویزی خود اشتراط یا عدم اشتراط اخذ کارمزد یا عناوینی از این دست را در شرعی یا غیر شرعی بودن دخیل می‌داند. به عنوان نمونه در نظریه ای<sup>۵</sup> و در پاسخ به استعلام دیوان عدالت اداری بیان می‌دارد: «چنان چه بین شرکت فروشنده و شرکت خریدار هنگام انجام

۲- شماره ۳۸۴۵ مورخ ۱۳۶۴/۰۴/۱۲

۳- مورخ ۱۳۶۴/۰۴/۱۸

۴- مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

۵- مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۳

معامله شرطی برای أخذ کارمزد نشده و معامله از این حیث مطلق باشد، اخذ مبلغ مازاد نسبت به ثمن معامله در ماه‌های استمهال و همچنین أخذ کارمزد یک و نیم درصد با توجه به این که در این خصوص قراردادی وجود نداشته خلاف موازین شرع شناخته شد». در بررسی دیگر نظرات شورا نیز آن چه قابل استنتاج است دیدگاه حداقلی تجویزی و آن هم مشروط و با برداشتی مبتنی بر کاهش ارزش پول است که تبلور آن در تأیید ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ است.

شایان ذکر این که یکی از واژه‌های هم وزن خسارت در ادبیات حقوقی و در رابطه با موضوع محکوم به دولتی موضوع «تعدیل» قرارداد است که مخصوصاً مسئله تعدیل قضایی به مثابه تمسک به قواعد حقوقی برای عدالت در پرداخت، موضوع را به خسارت تأخیر تأدیه در معنای جبران کاهش مالیت نزدیک می‌کند. اگرچه در رویه جاری و گهگاه خود قانون‌گذار برای عبارت تعدیل پول از اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه بهره می‌گیرد، اما در واقع میان این دو نهاد حقوقی تفاوت‌های ژرفی وجود دارد که تعبیر را به یک اشتراک لفظی کاهش می‌دهد و از محتوای حقوقی خالی می‌سازد؛ زیرا تعدیل پول همانا اجرای عین تعهد است و خسارت تأخیر، زبانی افزون بر اصل تعهد به شمار می‌رود (آقایی، ۱۳۹۶، ۲۵۷)، لذا این همانی بین این دو مقوله وجود ندارد. در واقع، هرچند اثر وضعی تعدیل قرارداد تغییر مبلغ قرارداد است لکن از آن جا که این تغییر غیرمستقیم و ناشی از تغییر شرائط و اوضاع و احوال خود قرارداد است لذا به معنای افزایش مستقیم قرارداد نیست، به بیان دیگر تعدیل مبلغ قرارداد نمی‌تواند گونه‌ای خسارت تأخیر تأدیه فرض شود.

## ۱-۲-۱- ادله ایجابی اصل بودن أخذ خسارت تأخیر تأدیه

برخی استدلالات؛ نقطه مقابل استثناء بودن خسارت تأخیر و تجویز اصل بودن آن است. نقطه ثقل این نظرات جبران کاهش ارزش پول و تدارک خسارت دائن است. برخلاف آن چه معمولاً گمان می‌شود قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد امری استثنایی و حکمی ثانوی نیست، بلکه به استناد احکام اولی و مبانی فقهی متعددی در مذاهب اسلامی می‌توان آن را توجیه نمود (بادینی و

حسامی، ۱۳۹۱، ۷۹). تأکید بر جبران خسارت، تعیین ما به ازاء برای خسارتی است که مسلم انگاشته شده است. در نظام حقوقی ایران هیچ ضرری جبران نشده باقی نمی‌ماند، هرچند عامل آن مقصر نباشد و آن چه مهم است ورود ضرر است و نه نامشروع بودن تصرف. از سوی دیگر، لزوم عدوانی بودن کار مسبب نیز به لحاظ احراز رابطه علیت میان کار او و ایجاد ضرر است.

اصولاً در حقوق اسلام مسئولیت مبتنی بر نفي ضرر است و تنها مبنای آن قابلیت استناد به فعل یا ترک ضار است (حسینی، ۱۳۹۷، ۱۳۷). پس فرقی نمی‌کند عامل زیان چه کسی است و چه انگیزه‌ای داشته است؛ مهم حمایت از زیان دیده است. بر این مبنا کاهش ارزش پول و کاهش مالیت نیز از مصادیق ضرر طلبکار است و بنا بر قاعده باید جبران شود. مهم‌ترین فرق خسارت تأخیر تأدیه و ربا این است که مبلغ اضافی اعطایی در خسارت دیرکرد به دلیل طلب است که به طلبکار وارد آمده است، درحالی که در ربا مبلغ اضافی مابه ازاء ندارد و صرفاً در مقابل توافق به اعطای دین یا تعجیل در پرداخت آن است. به اضافه این که میزان ربا برای مدت قرارداد مشخص می‌شود، درحالی که خسارت تأخیر تأدیه ضررهای ناشی از عدم دسترسی طلبکار به سرمایه اش را بعد از رسیدن موعد پرداخت پوشش می‌دهد (سلطانی رنای، ۱۳۸۵، ۱۶۳)، پس اضافه پرداختی در کار نیست.

بر همین بنیاد و مثلاً در قراردادهای بانکی، خسارت تأخیر تأدیه راهکاری برای جبران خسارت‌هایی است که در نتیجه تأخیر بدهکار در پرداخت دیون خود به بانک وارد می‌نمایند؛ بنابراین نه تنها مشمول عنوان ربا قرار نمی‌گیرد بلکه با عنایت به عموم قواعدی چون لاضرر و تسبیب، جبران آن مورد حمایت قانون‌گذار است (انصاری، ۱۳۹۰، ۱۸۶). از سوی دیگر، عدم پذیرش خسارت تأخیر تأدیه به معنای آن است که فارغ از زمان تأدیه و چگونگی کارسازی مطالبات نسبت به انتفاع یک طرف و اضرار طرف دیگر بی‌تفاوت باشیم.

بر این اساس، آن چه تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه شناخته می‌شود عبارت است از پرداخت معادل ارزش واقعی پول نه بیشتر از آن؛ با توجه به این تعریف می‌توان گفت که اخذ خسارت تأخیر تأدیه ربا نیست چون ربا عبارت است از دریافت اضافه بر اصل سرمایه. درحالی که خسارت تأخیر

تأدیه، دریافت معادل اصل سرمایه است و در این صورت اصلاً ربا تلقی نمی‌شود؛ پس گرفتن آن اشکالی ندارد (عظیمی گرکانی، ۱۳۸۸، ۶۵) و باید بر آن بود که عدم محاسبه و عدم پراخت آن در حق طلبکار تزییع حق وی محسوب می‌شود. از لحاظ فقهی نه تنها قابلیت جبران خسارت ناشی از دست دادن فرصت تأخیر تادیه تعهدات پولی با ایرادی مواجه نیست بلکه موافق اصول و قواعد فقهی است. به طوری که از مبانی و اصول حقوقی و مفاد آرا وحدت رویه متعدد دیوان عالی کشور نیز می‌توان استنباط نمود که برخلاف عقیده موجود، خسارت تأخیر تادیه وجه نقد اختصاص به همان مورد مصرح در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و شاخص تعیینی ندارد و به نظر می‌رسد قانون‌گذار در ماده مذکور صرفاً حداقل خسارات را پیش‌بینی کرده و متعهدله امکان مطالبه جمیع خسارات عرفی وارده را دارد (استا و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۸)، یعنی پرداخت خسارت تأخیر تادیه «اصل» است و نه «استثناء».

از سوی دیگر، همه فقها در نظریات اعلام شده در جبران خسارت وارده به متضرر به استناد قاعده فقهی «لاضرر» متفق بوده و اختلافی در پرداخت خسارت وارده به متضرر وجود ندارد. آن چه مورد اختلاف است مفهوم خسارت تأخیر تادیه است و این که آیا این خسارت از مصادیق ضرر است یا خیر؟ مشهور فقهای امامیه خسارت مذکور را عدم النفع دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۸۸، ۶۰)، ولی در عرف کنونی محرومیت از منفعت ناشی از کاهش ارزش پول را مسلم می‌داند، لذا این فقره را نیز در دایره امور قابل جبران تحلیل می‌کند.<sup>۶</sup> بر این اساس و با تحلیل لزوم جبران خسارت علاوه بر کاهش ارزش

۶- نظریه مورخ ۹۷/۹/۱۲ نشست قضایی قضات استان فارس: ضرروزیان و تشخیص قابل جبران بودن آن امری عرفی است؛ وانگهی عرف نیز محرومیت از منفعتی را که بر اساس جریان عادی امور حصولش قطعی و مسلم باشد ضرر می‌داند؛ بنابراین اگر چنین عدم النفعی واجد شرایط ضرر قابل جبران باشد، مطابق اصول کلی فقهی و حقوقی که بر اساس آن‌ها جبران ضرر ناروا لازم می‌باشد قابل جبران است. درست است که قانون‌گذار در تبصره دوم ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ خسارت ناشی از عدم النفع را قابل مطالبه ندانسته، لیکن این تبصره ناظر به منافع محتمل الحصول است. لذا چنان چه منافع مفوته، بر حسب جریان عادی امور، حصولش محقق بوده باشد و به علت فعل یا ترک فعل دیگری، منفعت مزبور فوت شده باشد، در امکان مطالبه آن نباید تردید کرد

پول باید بر این بود که باتوجه به این که کاهش ارزش پول جزو اصل دین بوده و در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مطالبه خسارت برای دیون پولی پذیرفته شده است؛ پس علاوه بر مطالبه میزان کاهش ارزش پول می‌توان خسارت مفروض قانون‌گذار را که در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده است را مطالبه نمود (غریبه، ۱۳۸۷، ۶۳). در واقع، مفهوم خسارت تأخیر تأدیه به دو معنای جبران کاهش ارزش پول و جبران خسارت منفعت تفویض شده به کار می‌رود.

## ۲- أخذ خسارت تأخیر تأدیه از دولت در پرتو ماده واحده نحوه تأمین محکوم به دولتی، امکان یا امتناع؟

با فرض حکومت شرایط تجویز اخذ خسارت تأخیر تأدیه و استقرار فلسفه تحمیل آن، اصولاً شخصیت مدیون تأثیری در تعلق یا عدم تعلق و کاستی یا افزایش و یا تغییر نحوه محاسبه نباید داشته باشد. اما مسئله درباره فرض مدیون بودن دولت متفاوت است. سناریوهای متفاوت اراده دولت در فضای تقنینی در قالب قانون و مقرر از قبل تدارک دیده می‌شود، اما اراده دولت به وسیله مدیرانش به منصفه ظهور می‌رسد. در واقع، با لحاظ اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی اختیار تصمیم‌گیری به صورت بالقوه در قانون دیده شده و مدیران دولتی صرفاً در حوزه تعیین شده و به میزان مقدر اجازه اعمال قانون را خواهند داشت. مسائل مالی و هزینه‌های مترتب بر نگهداری سازمان دولت در تنگنای قانون بودجه تعریف می‌شود و لذا صرفاً با تأمین اعتبار و تخصیص آن امکان پشتیبانی مالی از تصمیمات دولت وجود دارد. به بیان خلاصه دولت در نحوه هزینه کرد اعتبارات خود مبسوط‌الید نیست.

مستند به ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ صرفاً وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی<sup>۷</sup> فرصتی هجده ماهه برای پیش‌بینی اعتبار لازم

۷- به صراحت حکم مارالذکر شرکت‌های دولتی از شمول حکم خارج و لذا ضمن آن که فرصتی برای تدارک محکوم به نداشته اموال متعلق به این شرکت‌ها نیز قابلیت تأمین و توقیف خواهد داشت

برای پرداخت محکوم به را داشته و به استناد شق نهایی ماده واحده نیز «چنان چه ثابت شود وزارتخانه‌ها و مؤسسات یاد شده با وجود تأمین اعتبار از پرداخت محکوم به استنکاف نموده‌اند، مسئول یا مسئولین مستنکف و متخلف توسط محاکم صالحه به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنان چه متخلف به وسیله استنکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد»؛ این تنها ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی شده در ماده واحده است. لیکن مستند به بند ج ماده ۲۴ قانون الحاق چنان چه فرآیند پیش‌بینی شده قانونی اجرا نشده و تأمین اعتبار صورت نگیرد و دستگاه اجرایی به هر دلیل از اجرای حکم خودداری کند، مرجع قضایی یا ثبتی یاد شده باید مراتب را جهت اجراء به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام کند و سازمان مذکور موظف است ظرف مدت سه ماه، محکوم به را بدون رعایت محدودیت‌های جابجایی در بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای از بودجه سنواتی دستگاه مربوط کسر و مستقیماً به محکوم له یا اجرای احکام دادگاه یا سایر مراجع قضایی و ثبتی مربوط پرداخت کند.

بنابر حکم ص‌الدکر برخلاف ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱ درباره تعلق یا عدم تعلق خسارت تأخیر تادیه در دوره فریز محکوم به حکمی بیان نشده است؛ ضمن آن که با عنایت به خلاف قاعده بودن حکم مندرج در این قانون شمول دستگاه‌های اجرایی محدود به موارد مندرج در صدر ماده شده و لذا شرکت‌های دولتی مشمول حکم نبوده و در موارد محکومیت چنان‌که شخص حقیقی با آن‌ها برخورد می‌شود.<sup>۸</sup>

۸- نظریه شماره ۷/۹۶/۵۸۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره انحصار قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت به وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی و عدم شمول به شرکت‌های دولتی؛ قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ تنها به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اشاره دارد و شامل شرکت‌های دولتی نمی‌شود. با وجود این که بند ج ماده ۲۴ قانون الحاق مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳ دستگاه‌های اجرایی را به شکل مطلق ذکر کرده است، این اطلاق به دلیل مبانی فلسفی و اداری ذکر شده از شرکت‌های دولتی مستثنی است. فلسفه اصلی و زمینه تصویب قانون ۱۳۶۵ همچنان پابرجا است و بند ج ماده ۲۴ نیز تغییری در آن ایجاد نکرده است. ضمن این که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نقشی در تخصیص بودجه

بر بنیاد مقدمه معنون و به‌عنوان مهم‌ترین استدلال در تأیید فرضیه اول این نوشتار باید گفت به نظر جواز حاصل از ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ با فرض تلقی خسارت تأخیر تأدیه صرفاً درباره اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی است و لذا أخذ خسارت تأخیر تأدیه از دولت خروج موضوعی از ماده مذکور دارد، این نظر در برخی آرای دیوان عدالت اداری منعکس شده است؛<sup>۹</sup> هرچند برخی دادگاه‌ها به‌صورت کلی اصل را بر امکان أخذ خسارت تأخیر تأدیه و عدم امکان<sup>۱۰</sup> توسعه حکم مقرر در ماده واحده مورد بحث بر همه دستگاه‌های اجرایی گذاشته‌اند. به بیان دیگر، هرچند اصولاً به جز ضوابط مربوط به اعسار و ورشکستگی، شخصیت مدیون نباید تأثیری بر اصل دین بگذازد و دین حادث چه از طرف شخص دولتی و چه غیردولتی را باید تحت ضوابط نحوه پرداخت دین بررسی کرد؛<sup>۱۱</sup> لیکن به دلیل ضوابط حاکم بر بودجه و امور مالی دستگاه‌های اجرایی که در فضای حقوقی عمومی و تحت اراده حاکمیت مدیریت می‌شوند به نظر باید در تطبیق مقررات مربوط به نحوه جبران خسارت تأخیر، این ضوابط را در نظر گرفت. در هر حال، با تأکید بر این امر ضوابط حاکم را در دو بخش غیرقراردادی و قراردادی بررسی می‌کنیم.

## ۲-۱- خسارت تأخیر تأدیه در مطالبات غیرقراردادی

مهم‌ترین نمود تجویز خسارت تأخیر غیرقراردادی دولتی جبران دیرکرد به موجب قانون است؛ به این

شرکت‌های دولتی ندارد، لذا نمی‌تواند محکوم‌به را از بودجه آن‌ها کسر کند و به محکوم‌له انتقال دهد

۹- برای نمونه دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۳۰۰۰۵۸ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۴ شعبه تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: در قوانین موضوعه در مطالبات از دولت؛ خسارت تأخیر تأدیه پیش‌بینی نشده است به استناد رأی وحدت رویه شماره ۱۵۶ مورخ ۱۳۴۸/۱/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و تبصره دوم ماده ۴۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن الزام قانونی در این خصوص بر اجابت خواسته وجود ندارد

۱۰- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۳۰۰۱۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: دانشگاه‌ها از شمول قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی (که اختصاص به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون بودجه دارد) خارج هستند و مهلت یک و نیم ساله پرداخت محکوم به شامل آن‌ها نمی‌شود. بنابراین در فرض عدم پرداخت محکوم به خسارت تأخیر تأدیه به محکومیت نقدی آن‌ها تعلق می‌گیرد

صورت که قانونگذار گاهی خود با قبول خسارت احتمالی طرف غیردولتی و با تعریف فرآیندهای قانونی تدارک پرداخت خسارت را در قوانین و مقررات دیده است. البته تدارک مذکور گاهی به صراحت خسارت تأخیر نامگذاری نشده؛ ولی با توجه به سیاق حکم و قوانین مورد عمل به نظر ماهیت پرداخت تدارک دیده شده همان جبران خسارت تأخیر تأدیه است که با توجه به پیش‌بینی صورت گرفته در محدودیت‌های بودجه‌ای نیز قرار نگرفته است.

گاهی بر عکس، قانونگذار به صراحت محاسبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه را منتفی اعلام کرده است. چنان که به حکم تبصره ماده ۴۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ «به مطالبات اشخاص بابت اضافه پرداختی آنان خسارت تأخیر تأدیه تعلق نمی‌گیرد» که همین امر به استناد مقررات دیگری و درباره مطالبات استخدامی کارکنان دولت در رأی وحدت رویه ای<sup>۱۱</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. این نوع تقنین بیانگر آن است که قانونگذار سیاست واحدی درباره مسئله خسارت تأخیر تأدیه ندارد. چنان که گاهی تأخیر در استرداد وجوه را با درصدی ثابت جبران می‌کند

---

۱۱- رای وحدت رویه شماره ۱۵۶ مورخ ۱۳۴۸/۰۱/۲۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (مابه‌التفاوت ناشی از اشتباه محاسبه در حقوق و خسارت ناشی از تأخیر تأدیه مابه‌التفاوت مزبور): به موجب مادتين ۶۲ و ۶۳ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ مرجع رسیدگی به شکایات استخدامی مستخدمین رسمی شورای سازمان امور اداری و استخدامی کشور است و به تقاضای تجدیدنظر از رأی آن شورا در غیاب شورای دولتی در دیوان عالی کشور رسیدگی خواهد شد ولی در مورد دعاوی مستخدمین دولت به‌عنوان اشتباه محاسبه حقوق موضوع ماده ۲۶ قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۲ نظر به این که طبق تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۴۶ کل کشور مطالبات مستخدمین از این بابت اعم از این که به دادگاه مراجعه شده یا نشده و به مرحله صدور حکم قطعی رسیده یا نرسیده باشد با تأمین اعتبار در بودجه‌های سالانه تحت عنوان خاص پس از تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی پرداخت خواهد شد و به عبارت آخری این حق برای مستخدمین دولت به موجب قانون فوق‌الذکر شناخته شده و قطعی است دیگر اقامه دعوی برای اثبات استحقاق آن ضروری نیست و نتیجتاً آرای دو شعبه پنجم و دهم دیوان عالی کشور که به همین کیفیت صادر شده است تأیید می‌شود و اما نسبت به موضوع خسارت تأخیر تأدیه مابه‌التفاوت مورد بحث نظر به این که برقراری و پرداخت حقوق مستخدمین که دولت در مقام اجرای قوانین استخدامی مکلف به انجام آن است با معاملات دولت و همچنین معاملات و تعهدات اشخاص متمایز و متفاوت است تأخیر در انجام آن مشمول فصل سوم از باب دهم قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد و مستلزم تأدیه خسارت تأخیر نیست

و گاهی علی‌رغم وحدت مسئله موضوع خسارت، به صراحت عدم تعلق تأخیر تأدیه را مورد حکم قرار داده و از سویی تکلیف دستگاه‌های دولتی را در موارد مشابه مشخص نکرده است.

## ۲-۲- خسارت تأخیر تأدیه در مطالبات قراردادی

وضعیت تعهدات قراردادی در پیمان‌های دولتی را باید در پرتو اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی تحلیل کرد. چنان‌که عموماً قراردادهای دولتی به‌صورت از قبل تدوین شده یا تیپ تهیه شده و طرف قرارداد صرفاً متن قرارداد را می‌پذیرد یا رد می‌کند،<sup>۱۲</sup> لذا مدیر دستگاه اجرایی ابتکار عملی در این خصوص نخواهد داشت. مستند به ماده ۱۱ آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی<sup>۱۳</sup> شرط پرداخت خسارت تأخیر تأدیه تحت عنوان تعدیل در قراردادهای دولتی، پیش‌بینی و درج آن در اسناد مناقصه و به تبع آن در قرارداد منعقد شده است و میزان تعدیل هم برعکس موارد معنون در بند قبل نه مقدار مشخص که تابعی از شاخص بانک مرکزی خواهد بود. پیش‌فرض قانونگذار شاید منطبق با واقعیات تأمین و تخصیص اعتبارات دولتی نباشد اما به نظر گویای این مطلب است که اصولاً به بدهی دولت خسارت تعلق نمی‌گیرد. البته قانونگذار در برخی موارد از این نظر خود عدول کرده چنان‌که مستند به ماده ۱۰ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۶ و ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی بندهای الف و ب این ماده<sup>۱۴</sup>، در بازه زمانی مشخصی و صرفاً در

### 12- Take it or leave it

۱۳- ماده ۱۱ آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی: ضمانت تأخیر تعهدات مالی مناقصه‌گذار (کارفرما) که طبق بند ب ماده ۱۰ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ باید در اسناد مناقصه و به تبع آن در قرارداد منعقد قید و تعهد گردد، بر اساس شاخص تورم اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعدیل و پرداخت می‌گردد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نحوه محاسبه تمدید مدت پیمان (مجاز شمردن تأخیر تحویل مورد معامله) با لحاظ پرداخت ضمانت تأخیر تعهدات مالی کارفرما را تهیه و ابلاغ نماید

۱۴- ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی بندهای الف و ب ماده ۱۰ قانون برنامه ششم توسعه: بدهی‌های دولت که از ابتدای اجرای قانون (سال ۱۳۹۶) در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط ایجاد می‌شود و مراحل حسابرسی را در مراجع معتبر طی کرده و قطعی شده

صورت حسابرسی تعهدات امکان پرداخت خسارت تأخیر فرآهم گردیده است.

البته تعلق یا عدم تعلق خسارت تأخیر تادیه به مطالبات پیمانکاران در قراردادهای مبتنی بر پیمان بابت عملکرد صورت وضعیت موقت یا نهایی خود محل بحث مستوفی و جداگانه‌ای است. این که با فرض قطعیت طلب ناشی از تأیید عملکرد پیمانکار در صورت وضعیت موقت از سوی مشاور آیا دین مستقر شده و صدور حواله به معنای مطالبه است یا خیر؟ یا این که با لحاظ شق دوم بند الف ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان از آن جا که «مقادیر درج شده در صورت وضعیت‌های موقت و پرداخت‌هایی که بابت آن‌ها به عمل می‌آید جنبه موقت و علی الحساب دارد و هر نوع اشتباه اندازه‌گیری و محاسباتی و جز این‌ها، در صورت وضعیت‌های بعدی یا در صورت وضعیت قطعی اصلاح و رفع می‌شود» باید قائل به عدم استقرار دین شد و لذا منبای محاسبه خسارت را ارائه صورت وضعیت نهایی قرار داد؟ مسئله‌ای است که کل موضوع خسارت تأخیر تادیه قراردادی تحت عنوان تعدیل یا غیر این را تحت الشعاع قرار می‌دهد و دست یازیدن بر هر نظری منافع طلبکار را کم یا زیاد خواهد کرد. در همین مطالبات قراردادی نیز موضوع دولت مشخص نیست، گاهی حتی تعدیل مبلغ طبق ضوابط پیمان را به گونه‌ای دیگر و در قالب افزایش زمان تجویز کرده است چنان که در بخشنامه ای<sup>۱۵</sup> سازمان برنامه و بودجه تأخیر در پرداخت را در قالب تجویز افزایش مدت پیمان پیش‌بینی کرده است.

و از هیچ گونه افزایشی بابت عدم پرداخت برخوردار نشده باشند، متناسب با شرایط قرارداد از زمان اتمام مهلت درج شده در قراردادها برای پرداخت مطالبات با مسئولیت و تأیید رئیس دستگاه اجرایی/مقام مجاز از جانب وی (موضوع ماده ۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور) و درباره سایر مواردی که فاقد قرارداد بوده و یا در قرارداد مربوط بازه زمانی مشخصی برای پرداخت تعیین نشده است، از زمان صدور حواله برای هر یک از صورت وضعیت‌ها یا صورت حساب‌های صادره طلبکاران توسط رئیس دستگاه اجرایی/مقام مجاز از جانب وی تا زمان پرداخت بدهی توسط دولت سالانه از سودی معادل نرخ تورم تا حداکثر نرخ سود سپرده اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌شوند. در قراردادهای مربوط باید دولت ملزم گردد تا در صورت عدم پرداخت بدهی خود در زمان مقرر معادل نرخ مذکور را به طلبکار بپردازد

### ۳- تطبیق شروط تعلق خسارت تأخیر تأدیه در وضعیت محکوم علیه دولتی

فارغ از استدلالات معنون، چنان چه بخواهیم مبتنی بر شروط مذکور در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ وضعیت مبداء محاسبه و نحوه مطالبه از سوی دائن و شرط تمکن از سوی مدیون دولتی را بررسی کنیم مواردی قابل احصاء خواهد بود. در واقع، در کشاکش نظری تعلق<sup>۱۶</sup> و عدم تعلق<sup>۱۷</sup> خسارت تأخیر تأدیه به دیون دولتی؛ مهم‌ترین مستند قانونی در جواز محاسبه و پرداخت خسارت در حال حاضر همین حکم مندرج در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی ا مصوب ۱۳۷۹ است و نقطه ثقل ماده مذکور در مواجهه با دیون دولتی دو شرط «مطالبه» دائن و «تمکن» مدیون یعنی دستگاه اجرایی است. لذا فارغ از پیش فرض این نوشتار در عدم تسری ماده مذکور به دیون دولتی، وضعیت دو شرط مبنایی مذکور درباره دیون دولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱- بررسی وضعیت «مطالبه» و ثبوت آن از سوی دائن

از آن جا که خسارت حق دائن است لذا تا مطالبه‌ای صورت نگیرد ذمه مدیون نسبت به محاسبه و پرداخت خسارت تأخیر مشغول نخواهد شد. اما این که مطالبه دقیقاً چه عملی است و چه وضعیتی را می‌توان مطالبه فرض کرد؟ قابل بحث است خصوصاً آن که در وضعیت مدیون دولتی نمی‌توان ضوابط و ظرفیت‌های فضای حقوق خصوصی را در تطابق کامل با فضای حقوق عمومی قرار داد.<sup>۱۸</sup> در دیون

۱۶- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۰۲۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: ادارات و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آن‌ها در بودجه کشور منظور می‌گردد جهت پرداخت محکوم به احکام قطعی دادگاه‌ها و سایر مراجع قانونی تایک سال و نیم بعد از سال صدور حکم مهلت دارند و در این مهلت به محکوم به خسارت تأخیر تأدیه تعلق نمی‌گیرد

۱۷- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۰۷۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: پس از قطعیت طلب ناشی از قرار گرفتن زمین خواهان در طرح دولتی، خسارت تأخیر تأدیه قابل محاسبه است و مهلت قانونی یک و نیم ساله دولت جهت پرداخت بدهی مانع از تعلق خسارت تأخیر تأدیه به بدهی موصوف در این مدت نخواهد بود

۱۸- نظریه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ قضات استان مرکزی: خسارت تأخیر تأدیه به صورت یک استثناء در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده بنابراین باید در موارد تردید به قدر متیقن اکتفاء نمود و به گونه‌ای تفسیر شود که خسارت کمتری به

دولتی مهم‌ترین نمود مطالبه، دادخواست، صورت وضعیت تعدیل، صدور حواله و مواردی از این قبیل است، هرچند در رویه دادگاه‌ها این مصادیق نیز منحصر نیست.<sup>۱۹</sup> لیکن همین امارات نیز باید در پرتو تبصره دوم ماده ۴۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و رأی وحدت رویه<sup>۲۰</sup> دیوان عالی کشور که معیار پیش‌بینی اعتبار در بودجه سالانه دستگاه اجرایی را امری ضروری برای تجویز پرداخت خسارت تلقی کرده است، تفسیر شود. به بیان دیگر، امر مطالبه در فضای حقوق خصوصی که بر بنیاد اراده صرف مدیون شکل می‌گیرد، در فضای حقوق عمومی مشروط به شروطی گردیده است.

درباره قراردادهای پیمانکاری موضوع قدری پیچیده‌تر است. از طرفی صرف پیش‌بینی تعدیل بر مبنای شرائط عمومی پیمان و مبتنی بر شاخص مبنای پیمان و در راستای نظام فنی و اجرایی کشور برای پیمانکار ایجاد حق می‌کند، لیکن با لحاظ ماده‌های ۳۷ و ۴۰ شرائط عمومی پیمان صرف ارائه صورت

---

افراد بدهکار تحمیل شود. وقتی طلبکار تا مدتی طلب را مطالبه نکرده به این معنی است که به بدهکار اعطای مهلت نموده و لذا بدهکار در این شرایط ممتنع محسوب نمی‌شود و نمی‌توان خسارت تأخیر تادیه را از او مطالبه نمود. ضمناً معمولاً افراد بدهکار از اقشار ضعیف‌تر هستند و حداقل از نظر مالی از طلبکار ضعیف‌تر است لذا باید خسارت تأخیر تادیه را از زمان مطالبه دین محاسبه نماییم. بدین ترتیب مانع سوءاستفاده افراد نیز شده‌ایم. نظریه مشورتی شماره ۵۱۹۹/۷ مورخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۹ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز موید این نظر است

۱۹- نظریه مشورتی مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: با توجه به اصول حقوقی و مستنبط از مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در غیر مواردی که به موجب قانون خاصی مانند تبصره الحاقی به ذیل ماده ۲ قانون صدور چک (الحاقی ۱۳۷۶) و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که خسارت تأخیر تادیه از تاریخ سررسید محاسبه می‌شود، خسارت مذکور از تاریخ مطالبه تعلق می‌گیرد؛ اما مطالبه منحصر به تقدیم دادخواست نیست؛ هرچند ممکن است تاریخ سررسید و مطالبه یک روز باشد. شایسته ذکر است خسارت تأخیر تادیه ناشی از الزامات خارج از قرارداد، تنها با صدور حکم قطعی و ابلاغ آن به محکوم علیه قابل مطالبه است؛ به عبارت دیگر، در این موارد محکوم به در حکم دین محسوب و در صورت تأخیر در پرداخت از سوی محکوم علیه مشمول حکم مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌شود

وضعیت تعدیل به معنای مطالبه تلقی نمی‌شود<sup>۲۱</sup> چرا که ضوابط قانونی و ایرادات مهندس مشاور یا دفاع پیمانکار ممکن است اساس محاسبه و میزان تعدیل را دستخوش تغییر کند. در رویه دادگاه‌ها نیز گاهی عدم تنجیز و تسجیل اصل بدهی یا اختلاف در میزان تعدیل را به معنای عدم قطعیت دین و عدم شروع مبداء خسارت تأخیر تلقی کرده‌اند.<sup>۲۲</sup> بر این اساس است که می‌توان گفت حتی با فرض امکان

۲۱- نظریه شماره ۱۳۲۰/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای پیمانکاری: هرچند ارسال صورت وضعیت موقت از سوی پیمانکار عرفاً مطالبه از ناحیه وی تلقی می‌شود؛ اما از آن جا که ماده‌های ۳۷ و ۴۰ شرایط عمومی پیمان، ترتیبات و مواعیدی را برای ارزیابی صورت وضعیت دریافتی پیش‌بینی کرده است، تعلق خسارت تأخیر تا پیش از رعایت ترتیبات و مهلت‌های یادشده منتفی است؛ اما با رعایت این ترتیبات و سپری شدن مواعد، دیون کارفرما قطعی و سررسید شده تلقی می‌شود و خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه است

۲۲- دادنامه شماره ۱۱۷/۱۳۹۴/۰۴/۰۶ شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن با توجه به مفاد قرارداد پیمانکاری شماره ۳۲۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: درباره تجدیدنظرخواهی سازمان معرجی ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی با وکالت آقای م.ر.ن. و شرکت ک.ک. با وکالت آقای الف.ک. از دادنامه شماره ۷۱۷۲/۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۰ تشکیل شده میان طرفین (تجدیدنظرخواه ردیف اول به‌عنوان کارفرما و تجدیدنظرخواه ردیف دوم به‌عنوان پیمانکار) در مورد احداث استادیوم پنجاه هزار نفری اهواز مستند به نظریه هیئت کارشناسان حکم به محکومیت تجدیدنظرخواه ردیف اول نسبت به پرداخت مطالبات تجدیدنظرخواه ردیف دوم صادر گردیده است با دقت در محتویات پرونده اولاً تجدیدنظرخواه ردیف اول ایراد و اعتراض موجهی نسبت به اساس دادنامه تجدیدنظرخواسته به عمل نیاورده نهایتاً مطابق نظریه تکمیلی هیئت پنج نفره کارشناسان صورت وضعیت کارکرد پیمانکار مبلغ ۸۷۹/۸۱۱/۵۲۹/۱ ریال تعیین گردیده درحالی که دادگاه محترم بدوی سهواً میزان مطالبات پیمانکار در دادنامه تجدیدنظرخواسته را ۸۰۷/۶۷۸/۲۳۵/۲ ریال اعلام نموده که با توجه به اشتباه مزبور دادگاه به استناد ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی مدنی با اصلاح مبلغ خواسته از ۸۰۷/۶۷۸/۲۳۵/۲ ریال به ۹۷۸/۸۱۱/۵۲۹/۱ ریال دادنامه تجدیدنظرخواسته را در این بخش تأیید می‌نماید. اما اعتراض تجدیدنظرخواه ردیف دوم به آن بخش از دادنامه تجدیدنظرخواسته متضمن صدور حکم بطلان دعوی خسارت تأخیر تأدیه بابت اجرت المثل ماشین آلات وارد به نظر می‌رسد زیرا مطابق نظریه هیئت کارشناسان میزان اجرت المثل ماشین آلات دینی مسجل و مشخص تعیین گردیده که به لحاظ عدم پرداخت از سوی تجدیدنظرخواه ردیف اول مشمول خسارت تأخیر تأدیه می‌گردد بر این پایه با پذیرش تجدیدنظرخواهی به استناد ماده‌های ۳۴۸، ۳۵۸ و ۵۲۲ قانون مزبور با نقض دادنامه در این قسمت حکم به محکومیت تجدیدنظرخواه ردیف اول به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مبلغ مزبور از تاریخ تقدیم دادخواست اولیه در حق تجدیدنظرخواه ردیف دوم صادر و اعلام می‌نماید. این رای قطعی است

حکومت ماده ۵۲۲ آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بر دیون دولتی هیچ دلیل متقنی بر تعیین مبداء محاسبه تأخیر تادیه وجود ندارد.

### ۳-۲- وضعیت شرط تمکن در مواجهه با قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵

ضابطه احراز شرط تمکن در شخص حقوقی با شخص حقیقی متفاوت است، همان‌گونه که این ضابطه در شخص حقوق عمومی با حقوق خصوصی متفاوت است.<sup>۲۳</sup> نتیجه این امر هم آن است که عدم تمکن در شخص حقیقی موجب اعسار و در شخص حقوقی موجب ورشکستگی می‌شود، ولی در شخص حقوق عمومی نه موجب اعسار است و نه ورشکستگی چرا که ضابطه حاکم بر تشکیل و ختم شخصیت حقوق عمومی خود قانون است و نه اثر قانون.<sup>۲۴</sup>

۲۳- نظریه شماره ۷/۹۵/۱۴۳۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه درباره لزوم رعایت شرایط تمکن و بودجه در محکومیت دولت به پرداخت دین: طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در مورد ادارات و مؤسسات دولتی، شرط تمکن زمانی محقق می‌شود که محکوم به در بودجه منظور و پادار شده باشد. بر اساس ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت مصوب ۱۳۶۵، حتی در صورت تأمین اعتبار در بودجه، اگر مسئول مربوط از پرداخت محکوم به استنکاف نماید، مشمول مجازات انفصال از خدمت می‌گردد و در صورت وارد شدن خسارت به محکوم‌له، مسئول خسارت می‌باشد. از این رو اجرای احکام علیه دولت مشمول پرداخت خسارت تأخیر تادیه نمی‌باشد، جز پس از گذشت مهلت مقرر در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی

۲۴- نظریه مشورتی شماره ۱۴۸۴/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱: اولاً، طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم‌علیه به پرداخت دین با محاسبه شاخص سالانه بانک مرکزی، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و مؤسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ شرط تمکن زمانی محقق می‌شود که محکوم‌به در بودجه منظور و پایدار شده باشد. اساساً با لحاظ قسمت اخیر ماده واحده مزبور حتی در صورت تأمین اعتبار در بودجه، چنان چه مسئول مربوطه از پرداخت محکوم‌به استنکاف کند، در صورت اثبات تخلف، به انفصال از خدمت دولت محکوم خواهد شد و اگر این استنکاف سبب وارد شدن خسارت به محکوم‌له باشد، مستکف ضامن خسارت

شخص دولتی وقتی متمکن است که اعتبار پیش‌بینی شده در بودجه پادار شده و سپس تخصیص پیدا کند. به بیان دیگر، تا اعتبار پیش‌بینی شده تخصیص پیدا نکند اصلاً امکان پرداختی وجود ندارد. این فرض که مدیون دولت است و لذا همیشه با تکیه بر خزانه کل کشور می‌تواند بدهی خود را پرداخت کند در تضاد با ساختار نظام مند حاکم بر بودجه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی است. در رویه دیوان محاسبات کشور یکی از تخلفات رایج نهادهایی چون تأمین اجتماعی برداشت از حساب‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دستگاه‌های اجرایی به موجب اجرائیه‌های صادره بابت مطالبات این سازمان بدون رعایت فرجه قانونی هجده ماهه قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ است که علاوه بر مخالفت با ماده واحده مذکور مغایر مقررات بودجه‌ای حاکم بر دستگاه‌های اجرایی است.

وارده است که با این ترتیب از آن جا که کیفیت اجرای احکام قطعی علیه دولت و مؤسسات دولتی با احکام صادره علیه اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی متمایز و متفاوت است و اجرای حکم علیه دولت و مؤسسات دولتی منوط به تأمین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا مستلزم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نیست و ضمان خسارت وارده بر محکوم‌له متوجه شخص مستکف است. بدیهی است پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بلامانع است. ثانیاً، هدف مقنن از وضع بند «ج» ماده ۲۴ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳، ایجاد امتیاز جدیدی برای دستگاه‌های محکوم‌علیه مشمول و ایجاد مشکل در راه اجرای احکام قطعی دادگاه‌ها و اوراق لازم‌الاجرای ثبتی نیست؛ بلکه هدف تسهیل و تسریع در اجرای احکام یا اوراق یادشده است؛ بنابراین، چنان چه دستگاه محکوم‌علیه و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (در حال حاضر سازمان برنامه و بودجه کشور) در مهلت‌های قانونی محکوم‌به را پرداخت نکنند، دادگاه (واحد اجرا) می‌تواند برابر عموماًت مقررات اجرای احکام مدنی، اموال و حساب‌های محکوم‌علیه را معادل محکوم‌به و هزینه‌های اجرایی، توقیف و از محل آن وصول نماید. تکلیف مقرر در بند «ج» ماده ۲۴ یاد شده برای سازمان مزبور، به منظور تسهیل و تسریع در اجرای احکام یا اوراق لازم‌الاجرای ثبتی مقرر شده است و این تکلیف به معنای آن نیست که سازمان مزبور قائم‌مقام محکوم‌علیه شده و در نتیجه وصول محکوم‌به از اموال این سازمان جایز باشد؛ بنابراین در فرض سوال با حصول شرایط قانونی، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر عهده سازمان محکوم‌علیه است. بنا به مراتب فوق درخواست مطرح شده از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور مبنی بر عدم ارسال پرونده‌های مربوط به خسارت تأخیر تأدیه به شرح مطرح شده در استعلام منطبق با موازین قانونی است

#### ۴- خسارت تأخیر تادیه از محکوم به نهادهای عمومی غیردولتی

با لحاظ تعریف مندرج در ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶؛ استقلال حقوقی از دولت، تأسیس به موجب قانون، انجام وظائف عمومی و تأمین بیش از پنجاه درصدی اعتبارات از محل منابع غیردولتی مهم‌ترین مشخصه نهادهای عمومی غیردولتی است. بنابراین، با لحاظ مقررات پراکنده می‌توان نهادهای عمومی غیردولتی را در سه دسته تقسیم نمود: اول نهادهایی که نامشان در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ آمده است مثل شهرداری ها. دوم نهادهایی که در اساسنامه خود به‌عنوان نهاد عمومی غیردولتی شناخته شده‌اند یا قانون آن‌ها را به این عنوان شناخته است مثل صندوق تأمین خسارت بدنی و سوم نهادهایی که قانون درباره آن‌ها ساکت است اما با امارات مندرج در ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ می‌توان آن‌ها را در حکم نهاد عمومی غیردولتی تلقی کرد. اماره مندرج در ماده ۴۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت از این دسته محسوب می‌شود.

نهادهای عمومی غیردولتی بخشی از حاکمیت هستند و بخشی از امور عمومی را بر عهده دارند، ولی از آن جا که در پیکره دولت قرار ندارند، بنابراین تحت ضوابط عمومی حاکم بر دستگاه‌های اجرایی قرار نمی‌گیرند. ترخیص از قواعد عام حاکم بر نهادهای دولتی هم به دلیل وضعیت حقوقی و هم به علت استقلال نسبی مالی و بودجه این نهادها است. در بین نهادهای عمومی غیردولتی وضعیت شهرداری‌ها کاملاً متفاوت از نهادهای دیگر است. شهرداری به حکم ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴، نهادی خدمت‌رسان به عموم مردم است و از سوی دیگر به موجب قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵، تحت نظارت شوراهای اسلامی شهر و روستا هستند. بر همین اساس، خرج دارایی‌ها یا خروج اموال نهاد شهرداری از ید این نهاد با نهادهای عمومی دیگر به دلیل بهره‌مندی مستقیم مردم از اموال شهرداری‌ها متفاوت خواهد بود.

#### ۴-۱- أخذ خسارت تأخیر تأدیه از شهرداری

حسب ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱ شهرداری‌ها مکلفند وجوه مربوط به محکوم به احکام قطعی صادره از دادگاه‌ها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاه‌ها و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقدورات مالی خود از محل اعتبارات بودجه سال مورد عمل یا در صورت امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه به محکوم لهم پرداخت نمایند. در غیر این صورت ذینفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تأمین یا توقیف یا برداشت نماید.

چند نکته مهم از این ماده واحده مستفاد می‌شود: اول این که وجوه مربوط به محکوم به «در حدود مقدورات مالی» از محل اعتبارات سال مورد عمل قابل پرداخت است. واژه در «حدود مقدورات» بر دو مبنا قابل تفسیر است: اول این که شهرداری به‌عنوان یک دستگاه اجرایی بر اساس بودجه مصوب خود که به تصویب شوراهای اسلامی می‌رسد اداره می‌گردد، بنابراین اعتبار قابل پرداخت بابت محکوم به باید از قبل در بودجه دستگاه درج شده باشد و دوم این که از آن جا که شهرداری یک نهاد خدمت رسان است لذا در حد مقدورات و بدون آن که خللی در خدمات شهری ایجاد شود می‌تواند در صورت وجود اعتبار وجه، موضوع محکوم به را کارسازی نماید.

نکته دیگر این که پیش‌بینی پرداخت محکوم به در بودجه سال آتی نیز بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه است. به بیان دیگر، به صراحت ماده واحده معنون، شهرداری از پرداخت خسارت محکوم به معاف است. نکته نهایی هم آن که در صورت عدم پیش‌بینی و عدم پرداخت محکوم به از سوی شهرداری، ضمانت اجرای قابل اعمال تنها تأمین، توقیف و برداشت طلب از سوی ذینفع است. هرچند رویه مراجع قضایی در برخورد با این مسئله متفاوت عمل کرده است و برخی با استناد به عموماً قائل به امکان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه درباره مطالبات افراد از شهرداری هستند،<sup>۲۵</sup> لیکن مدلول ماده

۲۵- نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۲ برگزار شده توسط استان آذربایجان غربی شهر تکاب: بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، ادارات و مؤسسات دولتی و

واحد گویای آن است حداقل شهرداری تا پادار شدن اعتبار در بودجه سال آتی امکان قانونی عدم پرداخت محکوم به را دارد.

#### ۴-۲- أخذ خسارت تأخیر تادیه از نهادهای عمومی غیردولتی غیر از شهرداری

با توجه به صراحت ماده واحد فوق الذکر، مزیت پیش‌بینی شده صرفاً به نهاد شهرداری تعلق می‌گیرد. لذا نهادهای عمومی غیردولتی دیگر، نه مشمول قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ و نه مشمول ماده واحد منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول شهرداری‌ها می‌باشند. فرض قانونگذار درباره این نهادها این است که ساختار حقوقی مستقلی داشته و بودجه آن‌ها مانند شرکت‌های دولتی صرفاً در بودجه کل کشور منعکس می‌شود. مضاف بر این که، از آن جا که با توجه به تعریف نهاد عمومی غیردولتی در ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶؛ مشخصه این نهادها تأمین بودجه بیش از پنجاه درصدی اعتبارات از منابع غیردولتی است، لذا عملاً تمهید و پیش‌بینی و اخذ مجوز قانونی برای پرداخت دیون در سال مالی آتی بی‌معنا خواهد بود.

به هر حال، سیاستگذاری تقنینی در برخورد با مسئله دیون ارکان غیررسمی حاکمیت، هم می‌تواند ناشی از توجه به ضرورت و اصل بودن پرداخت خسارت تأخیر تادیه باشد و هم می‌تواند ناشی از استقلال نسبی نهادهای عمومی غیردولتی باشد و هم می‌تواند ناشی از جایگاه ویژه شهرداری‌ها در ارائه خدمات عمومی به مردم باشد. همین موضوع فلسفه وضع لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ برای اقدامات عمرانی دستگاه‌های اجرایی است. قانونگذار با در نظر گرفتن

---

شهرداری‌ها از پرداخت خسارت تأخیر تادیه معاف نمی‌باشند. لیکن با توجه به قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱، در محاسبه خسارت تأخیر تادیه و اجرای حکم قطعی باید انقضای مهلت مقرر قانونی قدر متیقن قرار گرفته و مبنای اجرای خسارت تأخیر تادیه قرار گیرد

شرایط ویژه و شرح وظائف دولت تمهید ویژه‌ای برای تملک و نه تملیک در نظر گرفته که در شرایط عادی و نسبت به برخی ارکان دولت غیرقابل استناد است.

### نتیجه

در مواجهه با ماهیت خسارت تأخیر تأدیه با دو مسئله روبرو هستیم؛ اول کاهش ارزش پول در گذر زمان و بالطبع زیان طلبکار و دوم اختلافات نظری و فقهی پیرامون چستی جبران خسارت تأخیر تأدیه. در نظریه پردازی حول محور این مسئله اگر موضوع کاهش ارزش پول نادیده گرفته شود طلبکار زیان‌دیده راهی قانونی و شرعی برای جبران نخواهد داشت و اگر ضابطه‌ای مشخص و بدون ابهام تعریف نشود ممکن است در دام ربا گرفتار شویم.

ضرورت حاکمیت نظم مالی بر بودجه دستگاه‌های دولتی اقتضای آن را دارد که تمامی پرداخت‌ها در بودجه پیش‌بینی شود، بر این اساس باید گفت که دیون بلامحل هم که به حکم ماده ۸ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ از محل اعتبارات دستگاه اجرایی قابل پرداخت است به دلیل تنجیز و تسجیل مبلغ دیون است؛ لذا در صورتی که بدهی تسجیل و تنجیز نگردد نمی‌توان اصل پیش‌بینی و قطعی بودن بودجه را رعایت کرد. قانونگذار در قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ و قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱ دقیقاً به دلیل اصول حاکم بر بودجه‌ریزی و ضرورت تداوم خدمات دولتی ضمن ایجاد ممنوعیت اجرای حکم قطعی فی‌البداهه، فرصتی جهت تمهید محکوم به دولت در نظر گرفته است.

به دلیل موارد معنون، شروط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ قابلیت تطبیق با دیون دولتی را ندارد و لذا نمی‌توان به حکم ماده مذکور قائل به شمول جبران خسارت تأخیر تأدیه به محکوم به دولتی بود. چرا که از یک طرف دائن با اثبات شروط در مقام طلبکار محق قرار می‌گیرد و از سوی دیگر دولت به دلیل ضوابط حاکم بر حقوق اداری و مالی توان کارسازی وجه در

زمان جمع شدن و ثبوت شرایط ماده مذکور را ندارد. با فرض تسری شروط ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به محکوم به دولتی، مبداء شروع خسارت تأخیر، پایان موعد پیش‌بینی شده در ماده واحده و پادار شدن اعتبار در بودجه دستگاه اجرایی است؛ هرچند با توجه به وضعیت مهندسی بودجه دولت عموماً فرآیند پادار شدن اعتبار بیش از فرجه قانونی تعریف شده در ماده واحده مورد بحث است. بر این بنیاد و با اذعان به آن که خسارت تأخیر تأدیه به نظر جبران کاهش مالیت تلقی می‌شود و از آن جا که اثر وضعی عدم توجه به این موضوع درباره دیون دولتی منجر به عدم رغبت بخش غیردولتی برای انعقاد قرارداد با دولت به‌ویژه در بخش پیمانکاری می‌گردد، لذا به نظر باید سازوکار ویژه‌ای برای جبران خسارت تأخیر دیون دولتی در همه بخش‌ها تدارک دیده شود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- آقایی، کامران، ۱۳۹۶، ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۸۰.
- ابهری، حمید؛ فرزانگان، محمد؛ ظهوری، سمیه، ۱۳۹۶، قواعد و شرایط حاکم بر مطالبه خسارت تأخیر تادیه در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- استا، محمدحسین؛ افراس، غلامحسین؛ احمدی، جعفر، ۱۴۰۲، تحلیل تطبیقی قابلیت مطالبه زیان تفویت فرصت ناشی از تأخیر در تادیه پولی در فقه و حقوق، **فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی**، شماره ۱۹.
- انصاری، علی، ۱۳۹۰، دریافت خسارت تأخیر تادیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۴۱.
- بادینی، حسن و حسامی، محمد، ۱۳۹۱، بررسی مبانی فقهی قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تادیه از دیدگاه

- مذاهب اسلامی، **دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۴۵.
- حاجیان، هانی؛ سرخوش، جواد؛ اکبری دهنو، میثم، ۱۳۹۹، علت تعارض آراء شورای نگهبان در مسئله خسارت تأخیر تأدیه، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، شماره ۲۷.
- حسینی، سیدامراالله، ۱۳۹۷، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای ضمان منافع، **دوفصلنامه پژوهشنامه مطالعات میان رشته‌ای فقهی**، شماره ۱۲.
- سلطانی رنانی، مهدی، ۱۳۸۵، نگاهی تطبیقی به خسارت تأخیر تأدیه در فقه و حقوق، **فصلنامه فقه**، شماره ۵۰.
- سهرابی، محمد؛ حسینی، محمدجواد؛ حیدر نژاد، ولی الله، ۱۴۰۳، امکان سنجی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از دیون نهادها و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، شماره ۴۳.
- عظیمی گرکانی، هادی، ۱۳۸۸، بررسی مشروعیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۱۶.
- غریبه، علی، ۱۳۸۷، بررسی فقهی حقوقی قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تأخیر تأدیه، **فصلنامه فقه و تاریخ تمدن**، شماره ۱۶.
- وحدتی شبیری، سیدحسین، ۱۳۸۲، مطالعه تطبیقی خسارت تأخر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۲.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi

The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System

Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama

Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya

Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country

Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi

The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms

Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz

Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani

Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran

Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei

Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps

Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour

An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim

Habibolah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi

Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati, Naghmeh Farhood

The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh

The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts

Hadi Zare, Majid Vaziri

Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England

Zeinab Tari

Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law

Amirreza Alitabar

The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking

Mahbobeh Talebi Rostami

Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law

Sayyed Amirhasan Mostafavi

Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users

Vahid Kioumars

Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law

(With a Look at International Documents)

Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid

The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

Sina Youseffi

Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems

Ebrahim Shiravanian

an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System

Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale

Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

Radmehr Rahmani Golafshan

Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar

Abdolmajid Youseffi

Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine

Yasser Shakeri